

افسیان

بخش بیست و پنجم

برادر فیروز خانجانی

کلیسای ایران

بهار ۱۴۰۱

این کتابچه مخصوص مسیحیان است.

در بیست و پنجمین جلسه از بررسی رساله افسسیان به مبحث «کلیسا شناسی» می پردازیم که یکی از پرسمان های محوری این رساله است. در این جلسه در پرتو آیات متی ۱۶: ۱۵-۱۹ به تبیین مفهوم کلیسا از نگاه کتاب مقدس خواهیم پرداخت. همان طور که انجیل متی به انجیل کلیسا معروف است، رساله ی افسسیان به رساله ی کلیسا نیز معروف است. در واقع بسیاری از مسائل کلیسایی در این رساله مطرح شده است.

هنگام صحبت از «کلیسا»، اولین پرسشی که مطرح می شود این است که: «کلیسا چیست؟» برای بسیاری از مردم، کلیسا تداعی گر یک ساختمان است که بر فراز آن صلیبی نصب شده و مسیحیان برای عبادت به آنجا می روند. افرادی که آگاهی بیشتری دارند کمی پا را فراتر گذاشته و از دیدشان «کلیسا» یک نهاد بزرگ جهانی است که مرکزش واتیکان است و شخصی در مقام پاپ در رأس آن است که عناوینی چون «خلیفه ی مسیح» و «رئیس کلیسا» دارد. با وارد شدن به جامعه ی مسیحی، می بینیم که برای عضو یک مجموعه، «کلیسا» تداعی گر فرقه ای است که او بدان تعلق دارد.

با این اوصاف لازم است معنی «کلیسا» تبیین و روشن شود زیرا ما در آیه ی ۲۲ خواندیم که مسیح سر کلیسا است. در واقع یکی از اهداف نگارش رساله ی افسسیان، تعلیم به کلیسا است؛ تعلیم به شکل کلی و نه صرفاً به یک کلیسای محلی. واژه ی «کلیسا» بیش از صد و ده بار به معانی مختلف در عهد جدید به کار رفته و در بسیاری از موارد به جماعتی از پیروان مسیح اطلاق می شود که در جایی جمع می شوند. در عهد جدید از کلیسای افسس، کلیسای قرنتس، کلیسای غلاطیه، کلیسای کولسی، کلیسای فیلیپی صحبت می شود که کلیساهای محلی بودند. و همچنین واژه ی «کلیسا» به کل قوم خدا هم اطلاق می شود و در رساله ی افسسیان به شکل ویژه به این مسئله اشاره می شود؛ به این معنی که افراد از مکان های مختلف چه اورشلیم، چه افسس و چه روم، به اتفاق قوم خدا را تشکیل می دادند و به مجموع آنها کلیسا گفته می شد. این نگاه کتاب مقدسی در این مورد است.

البته با دقت شدن در کتاب مقدس می‌توان دریافت که کلیسا فقط به مسیحیان اطلاق نمی‌شد. در متن اصلی اعمال باب ۱۹ دو بار از واژه‌ی «کلیسا» استفاده شده است (در ترجمه فارسی چنین نیست) و به جماعتی اشاره دارد که تشکیل شورا داده و در مخالفت با پولس و اعلام انجیل جلسه گذاشتند. پس اینجا به گروهی اشاره دارد که در فضای قوم خدا نمی‌گنجد. حال با وجود تمام این مسائل، تعریف «کلیسا» چیست؟ کلیسا، قوم خداست و از نگاه کتاب مقدس از افرادی تشکیل شده که صاحب وعده‌ی ابراهیم هستند. ما در جلسات پیش در مورد وعده‌های خدا به قومش صحبت کردیم. ما خواندیم که مسیح سر کلیساست. پس هر مسئله‌ای که به کلیسا مربوط می‌شود باید به کلام ارجاع داده شود چون عیسی مسیح به عنوان کلام، مرجع کلیسا است. زمانی که ایماندار کلام را مرجع خود قرار می‌دهد، می‌تواند در هر شرایطی پیش رود. آنگاه است که موانع موجود برداشته می‌شود و نیروهایی که در مقابلش قرار گرفته‌اند، شکست خورده و راه‌ها باز می‌شوند. البته زمانی که از پیروزی و شکست صحبت می‌کنیم، لازم است که از زاویه‌ی دید کتاب مقدس به آنها بنگریم.

در متی باب ۱۶ وعده‌ای داریم که بیشتر در زمان بحران جلوه می‌نماید. ما چنین می‌خوانیم: «کلیسای خود را بر این صخره بنا می‌کنم و دروازه‌های جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت.» این وعده بسیار زیباست که دروازه‌های جهنم یعنی نیروهایی که شیطان در مواقع مختلف به ضد کلیسا به کار می‌برد، هرگز بر کلیسا و ایماندار استیلا نخواهند یافت و بر ماست که به این وعده آمین بگوییم. این سخن مسیح به شکلی برگردان کلامی است که او در موعظه‌ی سرکوه بیان کرد. او گفت: «هر که سخنان مرا بشنود و به جا آرد همانند مردی داناست که خانه‌ی خود را بر سنگ بنا می‌کند و حملات طوفان نمی‌تواند آن را خراب کند. و چنانکه کسی سخنان مرا را نادیده انگارد همچون مردی نادان است که خانه‌ی خود را بر ریگ بنا می‌نهد و هنگام باران و جاری شدن سیلاب، خانه‌اش فرو می‌ریزد.» پس ما می‌دانیم که شیطان حمله خواهد کرد اما اگر اجازه دهیم خدا از طریق کلامش در زندگی ما و از طریق اعمال و خدمت ما کلیسای خود

را بنا کند، دیگر نباید نگران طوفان و حملات باشیم چون بقای ساختمان به پایداری بناکننده‌ی آن در کلام بستگی دارد. پس مهم این است که آیا ما از کلام پیروی کرده و در بنای عمارت خود از اصول کلام استفاده می‌کنیم یا خیر؟ در واقع حملات بیرونی ماهیت ما را نشان می‌دهد! کلیسایی که مسیح از طریق ما بنا می‌کند به هیچ عنوان تکان نمی‌خورد چون همان کلامی که تمام کهکشان‌ها را پدید آورد، آن را بنا کرده است. شاید از دید ما طوفان‌های زندگی بسیار سهمناک باشند اما باید به یاد داشته باشیم نیرویی که در کلام خداست فراتر از تمام نیروهای موجود در دنیاست. خدا از طریق کلام آفرینشگر خود دنیا را آفرید پس حتی قابل تصور هم نیست که نیرویی بتواند کلام خدا را از قدرتش ساقط کند. وعده‌ی مسیح در متی باب ۱۶ برگردانی از وعده‌ی خدا به ابراهیم و داود است.

زمانی که داود پس از فتح اورشلیم صاحب جایگاه شد بسیاری از پادشاهان به او هدایای مرغوبی چون چوب سرو لبنان پیشکش کردند. با وجود اینکه او با آن چوب‌ها قصری بنا کرد ولی در پایان با شرمساری گفت: «من در قصری بنا شده از چوب سرو زندگی می‌کنم در حالی که صندوق عهد خدا در یک چادر است.» آنگاه به فکر ساخت یک عبادتگاه شکوهمند افتاد و آن فکر را با ناتان و دیگران در میان گذاشت. و خدا به ناتان رؤیایی داد تا به داود بگوید که او نمی‌تواند برای خدا خانه‌ای بنا کند زیرا هر آنچه در دنیاست از آن خداست. خدا به داود گفت این من هستم که خانه‌ای برای تو بنا خواهم کرد. (دوم سموئیل ۷: ۲۷). این عبارت در زبان عبری تداعی گر «خانه‌ای از جنس فرزند» است. به بیانی من خانه‌ای از جنس فرزند می‌سازم.

می‌دانیم مسیح در پاسخ به رهبران یهودی که آیتی از او می‌خواستند، گفت: «این قدس را خراب کنید و من سه روزه آن را بازسازی خواهم کرد.» پس صحبت از خانه‌ی خداست که ظاهراً ویران می‌شود ولی بازسازی شده و دوباره برقرار می‌گردد. این وعده خطاب به کلیسا هم هست. در واقع تنها خانه‌ای که خدا می‌سازد می‌تواند از تخریب در امان بماند و زمانی که با مسیح متحد می‌شویم در راستای بنای چنین خانه‌ای گام برمی‌داریم.

کلیسا خانه‌ی خداست. مسیح سر خانه، به بیانی سر زاویه است. در کلام اسامی مختلفی به این بنا داده شده است. در اول تیموتائوس ۱۵:۳ خانه‌ی خدا به عنوان کلیسا، ستون و بنیاد راستین معرفی می‌شود. اولین اسمی که در اینجا به چشم می‌خورد «کلیسا» است.

چنانچه اشاره شد «کلیسا» (در یونانی اکلیسیا) تنها یک واژه‌ی مسیحی نیست. در زمان مسیح افراد با شنیدن این واژه به یاد پیروان مسیح نمی‌افتادند زیرا در زبان یونانی «اکلیسیا» به جماعتی اطلاق می‌شد که جدا شده و در چهارچوبی برای مسائل شهر شورا تشکیل می‌دادند. ما در اعمال باب ۱۹ دیدیم که رئیس و مقامات شهر گفتند باید طبق قوانین شهر جلسه‌ای برگزار شود و در خصوص اعمال و گفتار پولس یا افراد دیگر به وضوح صحبت شود. پس ملاحظه می‌کنیم که اینجا کلیسا مفهوم دیگری دارد.

از همین رو پولس در رساله‌ی خود به تیموتائوس، کلیسای مدّ نظر خدا را معرفی می‌کند. او در تشبیه خانه‌ی خدا می‌گوید: «کلیسای خدای حیّ و ستون و بنیاد راستی است.» اینجا اولین سؤالی که می‌توان مطرح کرد این است که «راستی چیست؟». پیلاتوس همین پرسش را از مسیح پرسید. مسیح در دعای کهناتی خود به این پرسش پاسخ می‌دهد. او که در قالب دعا با پدر صحبت می‌کند، می‌گوید: «کلام تو همان راستی است.» ما می‌بینیم که مسیح از طریق کلام خدا قدم به قدم شیطان را شکست داد؛ چه در تجربه بیابان و چه در جلجتا. روشن است که این مکاشفه از آن پیلاتوس نبود پس سؤالش به شکلی بی‌پاسخ ماند.

مسیح در متی باب ۱۶ گفت: «من کلیسای خود را بر روی صخره بنا خواهم کرد.» و چون او خود کلام است، پس کلام خدا کلیسای خود را بنا خواهد کرد. علی‌رغم دشمنی‌های فراوان در سراسر دنیا فرزندان برای خدا پیدا خواهند شد زیرا او خود کلیسایی از جنس فرزند بنا خواهد کرد. کلیسا باید از جنس عیسی باشد، از جنس کلام.

لازم به ذکر است هرچند واژه‌ی «کلیسا» در عهد جدید به چشم می‌خورد ولی کسانی که کتاب مقدس را به زبان یونانی می‌خواندند، دست کم هفتاد بار در عهد عتیق با این واژه روبرو

می‌شدند. در واقع «کلیسا» تنها یکی از برگردان‌های واژه‌ی «قهل» عبری است که بارها و بارها در عهد عتیق به کار رفته است. زمانی که پولس راجع به کلیسای امت‌ها صحبت می‌کند به یکی از وعده‌های خدا به یعقوب اشاره می‌کند: «ملت‌ی و کلیسای متشکل از امت‌ها از تو پدیدار خواهد شد.» در این آیه واژه‌ی «قهل» به کار رفته است. در این بخش از عهد عتیق به کلیسای امت‌ها اشاره شده است که پولس بیشتر در رساله‌ی افسسیان به آن می‌پردازد و می‌گوید این یک راز بوده که برای من مکشوف شده است. در واقع افرادی که قبل از پولس این آیات و وعده‌ها را می‌خواندند، برایشان قابل فهم نبود و رازگونه بود.

برگردان دیگری نیز از «قهل» هست که معادل یونانی آن «سوناگوگه» است و در عهد جدید بیشتر «کنیسه» ترجمه شده است. این واژه بیشتر در خصوص اجتماعات یهودی به کار می‌رفت ولی یعقوب در رساله‌ی خود دو بار از آن استفاده می‌کند. ما چنین می‌خوانیم که مسیح وارد «کنیسه» شد. در یونانی داریم که مسیح وارد «سوناگوگه» شد. «سوناگوگه» به معنی «جماعت» است. در زمان مسیح زمانی که یهودیان هلنیستی یا یونانی زبان می‌خواستند راجع به جامعه‌ی خود صحبت کنند، می‌گفتند ما یک «سوناگوگه» تشکیل دادیم. با وجود اینکه واژه‌ی «کلیسا» هم بود ولی کمتر به کار می‌رفت. به مرور زمان با وجود برگردان‌های مختلف برای واژه‌ی «قهل»، واژه‌ی «کلیسا» یا «اکلیسا» انتخاب شد و مورد استفاده قرار گرفت.

در واژه‌ی «اکلیسا» مفهومی نهفته است که برای ما مهم است. «کلیسا» به گروهی اطلاق می‌شود که به فراخوان سخنی یا به پیروی از دعوتی برون می‌شوند و با هم جماعتی را تشکیل می‌دهند. و دیدیم که می‌تواند شامل گروه‌های مختلفی باشد؛ مانند اعمال باب ۱۹ که مخالفان پولس با هم جمع شدند. یا به همین صورت هنگامی که بنی‌اسرائیل در راه سرزمین موعود در جایی توقف کرد و می‌خواست گوساله طلایی را ببرستند. اینجا هم کلام خدا از آن اجتماع به عنوان «کلیسا» یاد می‌کند. آنها هم کلیسایی تشکیل داده بودند ولی آن کلیسای خدا نبود. بنابراین چه افرادی که خود را ایماندار می‌دانند و چه بدعتگران می‌توانند با هم کلیسایی تشکیل

دهند. به خاطر همین پطرس ناگزیر مفهوم «کلیسا» را برای ما تبیین می‌کند. در اول پطرس ۹:۲ آمده است: «... او شما را به برون شدن از تاریکی و پیوستن به روشنایی شگفت خود فراخوانده است...» طبق تعریف کلام، کلیسای خدا از افرادی تشکیل می‌شود که از فضای تاریکی گسست کرده و خارج می‌شوند و وارد روشنایی خدا در مسیح می‌شوند. پس یک برون شدن داریم و یک درون شدن! کلیسا باید از دنیا، از جایی که به خدا تعلق ندارد، از فضای تاریکی خارج شود. از فضاهایی همچون انواع فلسفه‌ها، روشنفکرگری‌ها، عرفان و هر جایی که خدا حضور ندارد و سراسر تاریکی است.

ما به خروج از این فضاها فراخوانده می‌شویم و وارد قلمرو روشنایی می‌شویم. این مفهوم کلیسا است! کلیسا در تعریف کتاب مقدس یک ساختمان نیست که بر فراز آن صلیبی نصب شده باشد. ما می‌دانیم که در سده‌ی نخست، کلیسا عمدتاً در خانه‌ها تشکیل می‌شد. در رومیان ۵:۱۶، اول قرن‌تین ۱۹:۱۶ و کولسیان ۱۵:۴ از کلیساهایی صحبت می‌شود که در خانه‌ایمانداران تشکیل می‌شد. افرادی که به دعوت خروج از تاریکی، خروج از مصر و خروج از بابل گوش دادند، در خانه‌ای با هم جمع شده و کلیسا را تشکیل می‌دادند.

امروزه در غرب با ساختمان‌های بسیار باشکوهی از کلیساها با قدمت چند صد ساله روبرو می‌شوید که اوج معماری دنیا است. یک کارشناس تاریخ می‌تواند ساعت‌ها راجع به هر گوشه از آن بناها صحبت کند. ولی منظور از کلیسا یک ساختمان نیست. کلیسا می‌تواند در فضای آزاد، کنار دریا و حتی در یک هواپیما هم تشکیل شود. کلیسا یک ساختمان نیست که روزی آن را باز کنند و روزی آن را ببندند. کلیسا ساختمانی روحانی است که از جنس آن فرزند ساخته شده است. کسی به صرف تغییر مذهب به کلیسا نمی‌پیوندد. زمانی که بحث فرزند می‌تواند باشد، بی‌اختیار به یاد تولد می‌افتیم. افراد تنها از راه تولد از روح و کلام می‌توانند به بخشی از آن بنا پیوندند. چه بسا بتوان از راه تعمید عضو کلیسایی شد ولی تنها از راه تولد در روح می‌توان عضو آن بنای مقدس الهی شد و بس. بنایی که سنگ‌های آن زنده هستند. چه

بسا با دست دادن، تعمید گرفتن، دریافت برگه عضویت و مراسم‌های مختلف بتوان عضو یک کلیسا شد ولی عضویت در کلیسای مسیح تنها و تنها از راه توبه و تولد تازه امکان‌پذیر است.

پطرس اعترافی کرد که بسیار مهم است. او گفت: «تویی همان مسیح، پسر خدای زنده.» این همان رابطه‌ی پدر و فرزند است. این یک مکاشفه و پایه‌ی حرکت کلیساست. مسیح می‌گوید که بر همین صخره، بر همین مکاشفه کلیسای خود را بنا می‌کنم. نه بر مسئله‌ای که در شورای نیقیه اعلام شد. دانه‌ی گندم و دانه‌ی علف هرز به هم شبیه هستند، شاید احساس شود هیچ تفاوتی وجود ندارد ولی تنها مکاشفه‌ی پطرس مورد تأیید عیسی مسیح است.

پنطیکاست در پس همین مکاشفه رخ داد. آتش الهی در پس اتفاق نیقیه رخ نداد و ما دیدیم افرادی که پیرو آن شورا بودند، دست به قتل عام هم زدند. عیسی مسیح پسر خدای زنده همان خدای یکتا، دنیا را با خدا آشتی داد. این سنگ بنای کلیسا است و کلیسا بر همین اساس رشد می‌کند. شاگردان مسیح بر همین پایه پیش رفتند تا حدی که توما گفت: «ای خداوند من و ای خدای من.» (یوحنا ۲۰:۲۸). کلیسای بنا شده بر پایه‌ی درک رابطه‌ی خدا (پدر) با عیسی مسیح، در واقع بر صخره بنا شده است. کلام خدا به شکل آشکار عنوان می‌کند که او در پسرش، عیسی مسیح، دنیا را با خود آشتی داد. تغییر در این اصل باعث شد که کلیسایی تشکیل شود که به هیچ عنوان به مسیح ارتباطی ندارد و از آن ثمره‌ی قتل عام به بار نشست. با وجود اینکه اکنون به شمار کلیساها در دنیا اضافه می‌شود ولی عیسی مسیح تنها یک کلیسا دارد که همان کلیسای عروس است. او از طریق کلیسایش نقشه‌ی عظیم خود را محقق خواهد ساخت. ما در جلسه‌ی بعد بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

خداوند به شما برکت دهد.